

اثربخشی آموزش شفقت بر والدگری مادران افغان مقیم ایران

نجمه اولیاء، محمد حسین فلاح یخدانی، فرزاد فرهودی

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی اثربخشی آموزش شفقت بر سبک والدگری مادران کودکان افغان انجام شد. جامعه آماری این پژوهش تمام دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر یزد بودند که نمونه این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از بین ۵ مدرسه ویژه اتباع یک مدرسه انتخاب شد. ابتدا پرسشنامه سبک فرزند پروری بین مادران توزیع شد و سپس آنهایی که نمره بالاتری در سبک فرزند استبدادی و آزادگذارنده داشتند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۷۰ دقیقهای در معرض آموزش شفقت قرار گرفت و گروه کنترل بدون آموزش باقی ماند. برای جمع‌آوری داده‌ها در هر دو گروه آزمایش و کنترل از پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند استفاده شد و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد آموزش شفقت بر سبک فرزندپروری مادران موثر است. ($P > 0.001$) همچنین آموزش شفقت بر کاهش سبک والدگری آزادگذارنده و استبدادی و افزایش سبک والدگری مقتدرانه موثر است. ($P > 0.05$). کلمات کلیدی: شفقت، والدگری، مادران افغان

مقدمه و بیان مسئله

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌های فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت سبک و خط‌مشی زندگی آینده فرد دارد (اسماعیل‌زاده کیابانی، ۱۳۹۲). تأثیر خانواده به‌عنوان اولین و مؤثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان امری بدیهی و مشخص است و از مسائلی است که امروزه موردتوجه بیشتری قرار گرفته است. تحقیقات نشان می‌دهد عواملی مثل نحوه برخورد زن و شوهر کیفیت زندگی زناشویی و مسائل موجود در ارتباط بین والد و فرزند از جمله عوامل مهم در زمینه‌ی فرزندپروری به شمار می‌آید (بومیانی، محمودی و مسعود زاده، ۱۳۹۲).

از آنجایی‌که دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است و شخصیت فرد در این دوران پایه‌ریزی می‌شود، برخورد والدین و

همچنین رابطه‌ی والد-کودک از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد روانی-اجتماعی هر کودکی محسوب می‌شود (خدابخشی کولایی، شاهی، نویدیان و مصلی‌نژاد، ۲۰۱۵). تعامل والد-کودک یک پدیده‌ی پیچیده و چندبُعدی است و در اثر تعامل عوامل کلیدی متعددی از قبیل نگرش و میزان پذیرش والدین، نحوه‌ی مدیریت و کنترل رفتار، حس شایستگی اجتماعی و خویش‌داری، میزان دانش و مهارت والدگری، اعتمادبه‌نفس و خوش‌فکری والدین در تربیت کودک و ایجاد محیطی با حداقل تعارض، کیفیت روابط والد-فرزند و مراقبت عاطفی از کودک شکل می‌گیرد (تجربشی و همکاران، ۱۳۹۴). درواقع کیفیت تعامل والد-کودک به تأثیر نحوه‌ی برقراری ارتباط و نگرش نسبت به کودکان و ایجاد یک جو عاطفی توسط والدین تأکید می‌کند (محرری، سلطانی‌فر، خالص و اسلامی، ۱۳۹۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بازخورد والدین درباره سبک فرزندپروری کودکان با دیدگاه کودکان در مورد رابطه با والدین متفاوت است (دارلینگ و استینبرگ^۱، ۱۹۹۳). گرولینگ، دسی و رایان^۲ (۱۹۹۷) با تأکید بر این موضوع، والدگری ادراک‌شده را فهم کودک از جنبه‌های میزان درگیری والدین، گرمی و حمایت والدین از استقلال عمل فرزندان تعریف می‌کنند.

یافته‌های پژوهش چگینی، غلامعلی لواسانی و حجازی (۱۳۹۶) نشان داد در خانواده‌هایی که فرزندان احساس گرمی و صمیمیت در روابط با والدین خود می‌کنند و متوجه حمایت والدین از استقلال عملشان می‌شوند، والدین خود را درگیر و همراه خود در فعالیت‌هایشان درک می‌کنند و در نتیجه انگیزه‌ی بیشتری برای تعامل با والدین خود دارند.

طی سال‌های اخیر شاهد ورود شمار زیادی از خانواده‌های افغان به ایران بوده‌ایم. علی‌رغم شباهت‌هایی زبانی با فرهنگ فارسی در سبک زندگی تفاوت‌های فاحشی بین دو فرهنگ دیده می‌شود. مصاحبه‌های انجام‌شده با کودکان افغان، سبک‌های فرزندپروری خانواده‌های افغان اغلب دیکتاتوری است. خشونت در خانواده‌های افغان خصوصاً خشونت شوهر علیه زن و فرزند پدیده‌های پرتکرار و عادی است. کودکان طی این مصاحبه‌ها اعلام کرده‌اند که این خشونت‌ها بر بهزیستی آنها تأثیرگذار بوده است. همچنین تنبیه بدنی

2. Grolinick, Deci, Ryan

1. Darling, Steinber